



سیاسی بودن و شدن دانشجو از همان مباحث عمیقی است که بررسی حالات مختلف رسوخ این روح در کالبد دانشجو و دانشگاه نیاز به یک تعمق معقول و منطقی دارد. از آنجایی که این تعمق در گذر زمان همواره دستخوش تغییراتی جدی بوده است، شایسته است که با نگاهی مبنیای‌تر اتفاقات مربوط به گذشته را بازخوانی کرده و از این طریق نتایجی منطقی کسب کرد.

یکی از این مظاهر درآمیختن دانشجو با ساخت «سیاست»، حوادث تیر ماه سال ۷۸ بود. حوادثی که همواره از آن می‌توان به عنوان شاخصی برای تمیز «دانشجوی سیاسی» و دانشجوی سیاست زده نام برد که از قضا شناسایی مرز بین این دو مقوله در طول سالیان گذشته بحثی پرتکرار در میان فعالین دانشگاهی بوده است. با روی کار آمدن دولت اصلاحات با شعار توسعه سیاسی در خرداد ۷۶، افزایش روز افزون توجه نسبی به مسائل سیاسی روز کشور در میان اقبشار مختلف امری کاملاً محتمل بنظر می‌رسید و طبیعتاً پیش‌بینی می‌شد دانشجویان که از فضای بسته سیاسی دولت‌های اول و دوم سازندگی به ستوه آمده بودند، درصدد بهره‌برداری مناسب از این فرصت پیشی آمده برای سیاسی کردن دانشگاه باشند.

## در خواست شفاف‌سازی قرارداد وزارت نفت با توتال



بسیج دانشجویی ۷ دانشگاه تهران در نامه‌ای به وزیر نفت، خواستار شفاف‌سازی وزارت نفت در قرارداد با شرکت توتال شدند.

بسیج دانشجویی دانشگاه‌های فنی انقلاب، شهید رجایی، صدرا، شهید شمس‌ی پور، نقشه‌برداری وزارت دفاع، جامع امام حسین(ع) و خوارزمی در نامه‌ای به بیژن زنگنه وزیر نفت خواستار شفاف‌سازی وزارت نفت در قرارداد با شرکت توتال شد.

در بخشی از این نامه آمده است: شرکتی که وزارت دادگستری آمریکا آن را به دلیل پرداخت ۶۰میلیون دلار رشوه به ایران برای اخذ امتیازات بیشتر ۴۹۸ میلیون دلار جریمه می‌کند و واقعاً معلوم نیست دلیل این همه پافشاری وزارت نفت برای عقد هرچه سریع‌تر قرارداد با این شرکت نفتی چیست؟! آقای زنگنه معتقدید که قراردادها باید جذاب باشند اما اگر منظورتان از جذابیت، دادن امتیازات بیشتر است، آیا فکر نمی‌کنید بیش از حد معمول قرارداد را جذاب کرده‌اید؟ آنقدر که مدیرکل توتال در تلویزیون آمریکا علناً اعتراف می‌کند که جذابیت این قرارداد بیش از اندازه است! این نامه خطاب به وزیر نفت می‌افزاید: در صحبت‌های اخیر خود این قرارداد را از سایه سر برجام دانسته‌اید و آن را جزو دستاورد تفواقات هسته‌ای عنوان کردید، اما ظاهراً یا نمی‌دانید یا فراموش کرده‌اید که در زمان رضاشاه یعنی حتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سهم ما در قراردادی که بسته شد ۲۰ درصد بود آن هم در شرایطی که تنها اکتشاف و بخش‌هایی از توسعه میداین هم در دست شرکت‌های خارجی بود اما این بار سهم ۱۹/۹۶درصد است و نه تنها بخش اکتشاف و توسعه بلکه حتی بخش تولید و بهره‌برداری هم به‌طور کامل در اختیار توتال قرار داده‌اید آن هم با سهمیه ۵۱ درصدی از سود حاصل از تولید!

در ادامه نامه مذکور آمده است: آیا بهتر نبود به جای قرارداد با شرکت توتال، همان شرکتی که یک بار اطلاعات کامل نفتی ما را در اختیار قطر، شریک ۳۰ ساله خود گذاشت و علناً به عنوان جاسوس شناخته شد، این کار را به شرکت‌های داخلی می‌سپردید تا حداقل از اجرای تعهدات طرف مقابل خیالتان راحت باشد و با این کار در اشتغال‌زایی و ایجاد انگیزه کار و بالا بردن روحیه امید و اعتماد به نفس در جوانان، نقش مؤثری ایفا می‌کردید؟ ما به عنوان جمعی از جوانان دانشجو و به نمایندگی از مردمی که در قطره قطره طلای سیاه سهم دارند از شما درخواست شفاف‌سازی هرچه سریع‌تر قرارداد را داریم.

این نامه خطاب به مردم نیز تاکید کرد: مردم باید بدانند قرارداد با شرکتی که امروزه فساد و خیانتش علیه ایران ثابت شده چه مفادی دارد؟ باید برای مردم علت انتخاب شرکت پتروپارس از میان تمامی شرکت‌های داخلی را توضیح دهید، شرکتی که قبلاً هم اجرای فاز ۱ پارس جنوبی را بر عهده‌اش قرار داده بودید! آیا ساختاری برای جریمه پیمانکار در صورت عدم عمل به تعهدات در نظر گرفته شده است؟

باز خوانی حوادث فراموش نشدنی ۱۸ تیر ۷۸



از همان ابتدای امر نیز برخی از چگونگی تفسیر این توسعه سیاسی در دانشگاه از طرف تعدادی از عناصر دانشگاه در هراس بودند که نهایتاً دبری نباید که این هراس به حالتی منتهی شد تا جایی که در تیر ماه سال ۷۸ سخت‌ترین روزهای تاریخ جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی فرا رسید. آتشی که در دانشگاه‌ها با هدایت برخی از شـخصیت‌های سیاسی منتسب به جناح چپ افروخته شده بود، رفته رفته به‌دانشجویان را به کام زبانه‌های آتش سیاست زدگی جریان‌ها و احزاب سیاسی خارج از دانشگاه می‌فرستاد که عمدتاً در پی سوء استفاده از احساسات سیاسی دانشجویان بودند.

با کمی دقت نظر بیشتر در حوادث تیر سال ۷۸ به وضوح می‌توان ردپای تحریک دانشجویان توسط فعالین سیاسی را مشاهده کرد. برای مثال در همان روزهایی که دانشگاه تهران صحنه درگیری میان دانشجویان مستقر در کوی دانشگاه و نیروهای امنیتی بود، تنی چند از فعالین سیاسی خارج از دانشگاه با حضور خود در میان دانشجویان و یا اظهارات تحریک‌کننده خواسته و یا نخواستـه تنش و هیجان در میان دانشجویان معترض را بالا می‌بردند.

یکی از اشخاصی که به صورت علنی در مسیر تحریک دانشجویان حرکت کرد وزیر علوم دولت اصلاحات بود که با استعفا از سمت وزارت علوم به کوی دانشگاه رفت. مبرهن است که در شرایط تنش و التهاب حاکم شده در کوی دانشگاه تهران استعفای متولی دانشگاه از قوه اجرایی کشور چه پیامی را به همراه دارد. در این بین بسیاری از تحلیلگران حضور امثال او در کوی دانشگاه را پیامی برای صدور

در حالی که وزارت علوم رای به انحلال پژوهشگاه شاخص پژوه داده است اما دانشجویان و مسئولان این مرکز آموزشی نظرات دیگری دارند.
اواخر هفته گذشته بود که وزارت علوم تحقیقات و فناوری در خصوص پژوهشگاه منحله شاخص پژوه اطلاعیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این اطلاعیه با اشاره به تعدید مهلت ارسال مدارک دانشجویان این موسسه آمده است: «با عنایت به انقضای مهلت اعلام شده قبلی مبنی بر تحویل مدارک ثبت نام شدگان در پژوهشگاه (منحله) شاخص پژوه و با توجه به اینکه تعدادی از افراد نسبت به لزوم تحویل مدارک اظهار بی‌اطلاعی کرده و یا فرصت تحویل را نیاافته‌اند، بدینوسیله به اطلاع عموم ذی نفعان که تاکنون موفق به تحویل مدارک نشده‌اند می‌رساند که تا پایان تیر ماه فرصت دارند مدارک خواسته شده را (مبتنی بر اطلاعیه قبلی منتشر شده به تاریخ ۴ اردیبهشت ماه ۹۶ در سایت معاونت آموزشی) به دبیرخانه مرکزی (بخش آموزش) وزارت علوم تحویل دهند و یا با پست پیشتاز ارسال کنند و پس از انقضای این مدت مستندات تحویل شده بررسی و تعیین تکلیف خواهد شد.
بدیهی است این مهلت قابل تکرار نخواهد بود.»

این اطلاعیه در حالی صادر شد که روز سه‌شنبه ۱۲ تیرماه، حدود ۶۰ نفر از اعضای هیئت علمی و دانشجویان پژوهشگاه منحل شده شاخص پژوه در مقابل ساختمان وزارت علوم تجمع کردند. درخواست تجمع کنندگان مشخص شدن وضعیت دانشجویان و اعضای هیئت علمی توسط وزارت علوم است. این تجمع و خواسته دانشجویان این پژوهشگاه در حالی است که اوایل اسفندماه سال گذشته معاونت آموزشی وزارت علوم پژوهشگاه‌مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پژوه در اختیار وزارت علوم قرار داد. یکی از اعضای هیئت علمی این پژوهشگاه می‌گوید: این پژوهشگاه در سال ۹۱ به تصویب رسمی وزارت علوم وقت و هیئت امنای دانشگاه اصفهان رسید و آغاز به کار کرد. اما پس از آن با تصویب ریاست دانشگاه در دولت یازدهم در سال ۹۲، مشکلاتی برای پژوهشگاه ایجاد شد و وزارت علوم بدون ارسال هیچ نامه مستقیمی به پژوهشگاه در رسانه‌ها آن را منحل اعلام کرد در حالیکه تا سال ۹۴ پژوهشگاه با مجوز رسمی وزارت علوم اقدام به جذب دانشجویان کرد. هم اکنون دهها نفر از دانشجویان مقاطع تکمیلی ارشد و دکتری که درشان تمام شده است و مدارکشان آماده است توسط وزارت علوم معلق نگاه داشته شده‌اند و وزارت علوم مدرکشان را اعطای نمی‌کند، همچنین دیگر دانشجویان و هیئت علمی این دانشگاه نسبت به انحلال این

دانشگاه
Daneshgah@Kayhan.ir

جناح دوم خرداد و مسئولان دولت وقت در بطن ماجرا نیز به ملتـهب شدن هرچه بیشتر فضا کمک می‌کرد و دقیقاً از دل همین التهابات مصنوعی تزریق شده به این غائله بود که بسیاری از عناصر ضد انقلاب توانستند از میان این دریای گل آلود ماهی مورد نظر خود را صید کنند و بدنه دانشجویان درگیر در آن حوادث را به سمت ضدیت با اصل ساختار جمهوری اسلامی سوق دهند.

مقایسه شعارهای استفاده شده از طرف دانشجویان در یکی دو روز اول با آشوب‌های روز هجدهم تیر به این مسئله صحه گذاشته و نشان می‌دهد که با گذشت هر ساعت از آغاز تجمعات شعارها رادیکال‌تر و اعتراضات دانشجویی با انحراف مسیر به سمت اقدامات براندازانه گسیل شد.

یک نگاه سطحی به مهم‌ترین اشخاص اثرگذار در آشوب‌های ۱۸ تیر سال ۷۸ خود به خود انتهای مسیر آن التهابات و آشخورهای متعدد فکری و عملیاتی غائله مذکور را عیان می‌سازد. برای مثال عکس مشهور جوانی با پیراهن خونی در دست که در فضای رسانه‌ای تبدیل به نمادی برای آشوب‌های ۱۸تیر تبدیل شده است، متعلق به یکی از صحنه گردانان اصلی وقایع کوی دانشگاه تهران یعنی «احمد-ب» بود. پس از این اتفاق نامبرده ابتدا از پادگان اشرف و سپس از کاخ سفید و دیدار با جرج بوش آمریکایی سربرآورد که این فرآیند حقایقی مبنی بر سیر «جاسوس محور» بودن غائله کوی را آشکار می‌ساخت.

افراد بسیار نیز سرنوشتی مشابه «احمد-ب» داشتند و امروز هیچ یک از آنها در داخل کشور حضور ندارند و عمدتاً به فعالیت در شبکه‌های رسانه‌ای غربی ضد انقلاب شهرواند و از این طریق روزگار می‌گذرانند و البته به عبارت بهتر مسیر عناد و دشمنی با نظام را وارد فاز جدیدی کرده‌اند.

به گزارش خبرنگارنامه دانشجویان؛ به نظر می‌رسد همین بررسی‌های اندک نیز این گزاره را تثبیت می‌کند که سیاست زدگی مراکز آموزش عالی و ارتباط مستقیم برخی تشکل‌های دانشجویی با احزاب سیاسی خارج از دانشگاه در روزها و ماه‌های منتهی به فتنه کوی دانشگاه تهران، نهاد علم آموزی دانشگاه و هویت استقلال طلب دانشجویان را متضرر کرد و با تبدیل دانشگاه به یک باشگاه سیاسی اعتبار آن را در معرض هجوم چنگال احزاب و جناح‌های سیاسی قرار داد.

در تأیید اینن نکته نیز مجدداً می‌توان از متون روزنامه‌های روزهای پرتنش تیرماه ۱۸ سال پیش شاهد مثال آورد که مکرراً بدنه اجتماعی جناح چپ وقت را با دانشجویان دفتر تحکیم وحدت پیوند می‌زدند که این همکاری علنی حکایت از هماهنگی مواضع فعالین سیاسی جناح چپ با فعالین دفتر تحکیم وحدت دارد که نهایت این پیوند نامیوم جریانات سیاسی با دانشجویان ناآرامی دانشگاه را به ارمغان آورد.

در تقییح این پیوند نیز مقام معظم رهبری در آذر ۷۸ طی سخنانی فرمودند: «یکی دیگر از افتات، به نام احزاب و گروه‌ها افتادن است؛ که این را قبلاً هم گفتیم. مواظب باشید، اختاپوس خطرناک احزاب و گروه‌های مختلف به سراغتان نیاید و شما را به دام نیندازد.» رویکرد پیاده نظام بسازی در دانشگاه چند وقتی می‌شود که مجدداً در حال شکل گیری است. که با راه اندازی تشکل‌های یکبار مصرفی که صرفاً استفاده سیاسی دارند، در حال پیاده سازی این سیاست است. حال این سؤال پیش خواهد آمد که تبدیل دانشگاه به جوانگاه احزاب سیاسی چه فایده‌ای دارد که با راه اندازی این تشکل‌ها، این هدف را پیگیری می‌کند و به دنبال بازگشت به فضای سال ۷۸ است؟



## بلا تکلیفی دانشجویان و اساتید پژوهشگاه «شاخص پژوه»!

محور در مقاطع کارشناسی اصفهان اعلام داشته است من مصوبات ریاست قبلی، وزارتخانه دولت قبل و هیئت امنای قبلی این پژوهشگاه با از من پذیرفته شدم و در مقطع دکتری نزدیک پژوهشگاه منحل گردد، این به ۴۵ میلیون تومان شهریه پرداخت کردم، اما هنوز مشخص نیست سرنوشت ما چه خواهد شد؟!
وزارت علوم در یک اقدام ناگهانی مجوز قطعی و رسمی پژوهشگاه شاخص پژوه را لغو کرد و این اتفاقات در حالی است که هنوز دانشجویان و فارغ التحصیلان این پژوهشگاه و بااهیامات زیادی روبرو هستند، یکی از دانش‌موختگان این

محور در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری کرد.

محمود زاده در ادامه افزود و متأسفانه وزارت علوم در یک اقدام ناگهانی مجوز قطعی و قطعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طی قراردادی در وزارت علوم دولت نهم و هیئت امنای اعلام کرد و ۳۰۰ دانشجوی ارشد و دکتری این پژوهشگاه را بدون هیچ دلیل قانونی به حالت معلق در آورد. متأسفانه با تعویض ریاست دانشگاه اصفهان در اسفند ماه ۹۲ با روی کار آمدن دولت یازدهم مجلس وزارت علوم معلق نگاه داشته گردید و ریاست فعلی دانشگاه



صفحه ۸
چهارشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۶
۱۷ شوال ۱۴۳۸ - شماره ۲۱۶۶۹

## پای «پول» و «منفعت سیاسی» در میان است وقتی «دانشگاه آزاد» قربانی می‌شود!

در شرایطی که داوطلبان دانشگاه آزاد تنها چند روز برای انتخاب رشته فرصت دارند، عدم جدیت وزارت علوم در حل رشته‌های دانشگاه آزاد شائبه‌های سیاسی بودن این اقدام را تأیید می‌کند.

اقدام غیرمنتظره وزارت علوم در حذف بیش از سی درصد از رشته محل‌های کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی در ایام انتخاب رشته داوطلبان کارشناسی‌ارشد این دانشگاه، حواشی مختلفی را ایجاد کرده و باعث سردرگمی دانشجویان و اساتید این دانشگاه شده است.

بر این اساس، از مجموع ۲۷۸۰ رشته محل بازنگری شده در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، تعداد ۱۵۴۱ مورد فقط برای یکبار پذیرش در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مورد تأیید قرار گرفت که ۲ هزار و ۳۰۰ رشته محل مربوط به رشته‌های یک بار پذیرش و بقیه مربوط به واحد الکترونیک و سایر واحدها بود.

وزارت علوم در حالی دست به چنین اقدامی زد که در توافقی مکتوب بین وزارخانه و دانشگاه آزاد، این دانشگاه اعضای هیئت علمی لازم را برای رشته‌های یک بار پذیرش جذب کرده بود. این اقدام وزارت علوم با واکنش‌های متعددی از سوی دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه آزاد روبرو شد. در کنار این مسئله، نمایندگان مجلس و اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات نیز در تذکری خواستار تعیین تکلیف اساسی این مسئله و همراهی وزارت علوم با تیم جدید مستقر در دانشگاه آزاد شدند.



پس از این واکنش‌ها وزارت علوم در اطلاعیه‌ای با ادعای پاسخگویی به ابهامات دانشگاه آزاد، آمادگی خود را برای دریافت مستندات و بررسی کلیه درخواست‌های گذشته و جدید دانشگاه آزاد اسلامی اعلام کرد اما هیچ اشاره‌ای به جزئیات بررسی این مسئله نکرد.

بعد از این شاهد واکنش‌های متعددی از سوی دانشگاه آزاد و وزارت علوم بر سر مسئله رشته محل‌های این دانشگاه بودیم که به جنگ رسانه‌ای بین این دو نهاد منجر شد. مسئولان دانشگاه آزاد در پاسخ به ادعاهای مسئولان وزارت علوم با استناد به مصوبه سال ۶۷ مجلس و کمیته سه نفره آن، از تصویب رشته محل‌های دانشگاه آزاد در این کمیته خبر دادند و اعلام کردند اسامی رشته محل‌ها روی سایت دانشگاه آزاد قرار می‌گیرد.

در پاسخ به این اقدام دانشگاه آزاد، سازمان سنجش با صدور اطلاعیه‌ای به میدان آمد و اعلام کرد نتیجه کد رشته محل‌های تأیید شده در شرایطی قانونی است که بر روی سایت این سازمان قرار گیرد.

علی‌اکبر ولایتی رئیس هیئت موسس و هیئت‌امنای دانشگاه آزاد در گفت‌وگویی با اشاره به روند تأیید رشته محل‌های دانشگاه آزاد، بیانیه سازمان سنجش را اعمال سلیقه برخی افراد صاحب نفوذ در شورای گسترش وزارت علوم دانست و به دانشجویان، اساتید و داوطلبان این دانشگاه برای ادامه تحصیل در دانشگاه آزاد اطمینان خاطر داد.

کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز که پیش از این به موضع‌گیری درباره این اقدام وزارت علوم بسنده کرده بود، با دعوت از وزارت علوم و دانشگاه آزاد زمینه حل جدی این مناقشه در مجلس را فراهم کرد. به گزارش تسنیم در این بین مسئولان آموزشی وزارت علوم با برگزاری نشستی با اشاره به اعداد و ارقام، اعلام کردند که دانشگاه آزاد بیش از این بی‌حساب و کتاب رشته تأسیس کرده و از این پس به راحتی برای رشته‌های آن مجوز صادر نمی‌شود. این ادعا در حالی است که مسئولان این وزارتخانه شائبه‌های سیاسی بودن این مسئله را هم رد کردند و خواستار خویشترن‌داری مسئولان دانشگاه آزاد شدند.

فسرادی این روز کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در نشست مشترک با مسئولان وزارت علوم و دانشگاه آزاد مقرر کرد رشته محل‌های کارشناسی‌ارشدی که سال گذشته برای مقطع دکتری مجوز دریافت کرده‌اند، رشته محل‌هایی که در مقطع ارشد فارغ‌التحصیل داشته‌اند در رشته محل‌هایی که در مقطع ارشد دارای ۳ استادیار تمام وقت یا ۲ استادیار تمام وقت و ۲ استادیار نیمه وقت هستند، مورد تأیید وزارت علوم قرار می‌گیرند.

در حالی که اعلام می‌شد این موضوع در اسرع وقت و قبل از پایان یافتن فرصت داوطلبان کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد محقق می‌شود، اما با گذشت چند روز اظهارات ضد و نقیضی درباره تأیید رشته‌های دانشگاه آزاد مطرح می‌شد.

مسئولان دانشگاه آزاد از تأیید جمع کثیری از این کد رشته محل‌ها و ادامه بررسی‌های این رشته محل‌ها خبر می‌دادند، اما معاون آموزشی وزارت علوم در نهایت از تأیید مشروط مجوز ۱۵۴۱ رشته محل دانشگاه آزاد خبر داد. وی همچنین تأکید کرده صحت اطلاعات اولیه این رشته محل‌ها ظرف ۴۵ روز آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد و چنانچه شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم متوجه اشتباهی و یا مغایر در اطلاعات انعکاس داده شود از سوی دانشگاه آزاد شود، مجوز این رشته محل‌ها باطل و ظرفیت آنها نیز صفر خواهد شد.»

وزارت علوم نیز در اطلاعیه‌ای ضمن تأیید اظهارات فوق کار بررسی رشته‌محل‌های دانشگاه آزاد را پایان یافته دانست.

در شرایطی که داوطلبان دانشگاه آزاد تنها چند روز برای انتخاب رشته فرصت دارند و تاکنون به دلیل بروز این مشکلات بلا تکلیف بودند، عدم جدیت وزارت علوم در حل مشکل رشته محل‌ها و عدم پایبندی این وزارتخانه به مصوبات کمیسیون آموزش مجلس شائبه‌های سیاسی بودن رویکرد وزارت علوم علیه دانشگاه آزاد- به ویژه بعد از تغییرات اساسی دانشگاه آزاد- را تقویت می‌کند تا جایی که برخی از نمایندگان مجلس به دنبال اقدام مقابلی در این زمینه هستند.

به نظر بنشت پرده ماجرای حذف غیرمنتظره رشته‌محل‌های دانشگاه آزاد را باید در معاونت آموزشی وزارت علوم و نگاه سیاسی و منفعت جوینانه حاکم بر این بخش دنبال کرد.

با توجه به سوابق سیاسی معاون آموزشی وزارت علوم و طیف سیاسی حاکم بر این وزارتخانه که رویکرد فعلی دانشگاه آزاد را با منافع سیاسی و اقتصادی در تضاد می‌بینند، شاید وجود چنین کارکنکی‌هایی از سوی معاونت آموزشی وزارت علوم علیه دانشگاه آزاد دور از انتظار نبود.

نکته دیگری که نمی‌توان در این زمینه نادیده گرفت، منفعت سهام‌داران و صاحبان دانشگاه‌های غیرانتفاعی از قبل حذف رشته‌محل‌های دانشگاه آزاد است. با توجه به اینکه برخی از مسئولان آموزشی وزارت علوم از صاحبان و سهامداران دانشگاه‌های غیرانتفاعی هستند، مانع تراشی‌های وزارت علوم در مسیر رشته محل‌های دانشگاه از این نظر نیز شائبه برانگیز و گویای منفعت طلبی بخشی از افراد در وزارت علوم است که همواره از توسعه و اعطای مجوز به رشته محل‌های دانشگاه آزاد دلخوشی نداشتند.

در عین حال اگرچه گسترش بی‌رویه رشته‌های دانشگاهی از سالیان گذشته، انتقادات بسیاری از کارشناسان حوزه آموزش عالی را برانگیخته بود اما برخورد سیاسی و سلیقه‌ای اخیر مسئولان وزارت علوم با این کدرشته‌های دانشگاه آزاد و نادیده نگاشتن حقوق بسیاری از اساتید و دانشجویان مشغول به تحصیل، به هیچ وجه قابل قبول نبوده و شائبه‌ها در خصوص سگ‌اندازی در پیشبرد امور مدیریت جدید دانشگاه آزاد را تقویت می‌کند!